



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط دوم؛ طهارت آب وضو

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

تاریخ: ۳۰ مهر ۱۳۹۷

مصادف با: ۱۲ صفر ۱۴۴۰

جلسه: ۱۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، علاوه بر طهارت آب وضو، مواضع وضو [صورت، دست‌ها، محل مسح سر و پاها] نیز باید پاک باشد و طهارت هر عضوی قبل از شستن آن، کفایت می‌کند و لازم نیست که قبل از شروع وضو، تمام مواضع وضو پاک باشد. پس اگر عضوی نجس باشد و بعد از تطهیرش، به قصد وضو شسته شود، کفایت می‌کند و یک‌بار شستن به قصد ازاله نجاست و وضو، کافی نیست؛ هرچند که این یک‌بار شستن با ارتماس در آب کر یا جاری باشد [، یعنی اگر شخص وضو یا غسل ارتماسی انجام بدهد و با یک‌بار فرو بردن عضو در آب، هم قصد ازاله نجاست بکند و هم قصد وضو بکند، کافی نیست].

عرض شد که وجوهی برای حکم مذکور، مطرح شده است که وجه اول در جلسه گذشته ذکر شد و پاسخ داده شد. وجه دوم، این بود که اگر موضع وضو نجس باشد، به محض اینکه آب به آن اصابت کند، آن آبی که می‌خواهد با آن وضو بگیرد، چون به نجاست اصابت کرده است، منفعّل می‌شود و در این صورت، شخص با آب طاهر وضو نگرفته است لذا شرط دوم از شرائط وضو که طهارت آب وضو بود محقق نشده است چون آب به صرف رسیدن به عضو نجس، متنجّس می‌شود لذا وضو گرفتن با آن جایز نیست و در نتیجه، وضو باطل است لذا برای اینکه این مشکل پیش نیاید، باید نخست موضع وضو که نجس است، تطهیر شود و سپس وضو گرفته شود.

در پاسخ از وجه دوم، عرض شد که طرح سخن مذکور، به صورت مطلق صحیح نیست، بلکه این سخن زمانی مطرح می‌شود که شخص بخواهد با آب قلیل وضو بگیرد و معتقد باشیم که آب به محض ملاقات با موضع متنجّس، نجس می‌شود، اما ممکن است که فقیهی به طهارت غُساله قائل شود و بگوید که غُساله مطلقاً پاک است، یعنی همین که آب عبور کرد، پاک است. بعضی گفته‌اند که غُساله مطلقاً پاک نیست، بلکه فقط غُساله‌ای که متعقب طهارت است، پاک است لذا غُساله اول نجس است، ولی غُساله دوم که متعقب طهارت است، پاک است. بعضی گفته‌اند که غُساله بعد از انفصال، نجس است که در این صورت نیز وجهی برای اشتراط طهارت مواضع وضو نیست.

بنابراین، اینکه گفته شد که موضع وضو باید پاک باشد، صحیح نیست چون اولاً این سخن فقط در رابطه با آب قلیل مطرح است و ثانیاً طرح این سخن در رابطه با آب قلیل زمانی صحیح است که آب از زمان ملاقات با متنجّس، نجس می‌شود، اما اگر به طهارت غُساله مطلقاً، قائل شدیم یا معتقد شدیم که غُساله قبل از حصول طهارت، پاک است [، یعنی غُساله‌ای که طهارت متعقب بر آن است، پاک است] یا معتقد شدیم که غُساله‌ای که جدا می‌شود [غُساله بعد از انفصال]، نجس است و غُساله‌ای که جدا نمی‌شود،

پاک است، طرح سخن مذکور، در رابطه با آب قلیل نیز صحیح نیست. بنابراین، وجه دوم مبنی بر اشتراط طهارت مواضع وضو نیز پذیرفته نیست.

حال اگر شخص، موضع وضو [که نجس است] را با آب کر یا جاری بشوید، وضو صحیح است چون آب کر و جاری عاصم است، یعنی اگر با نجاست برخورد کند، نجس نمی‌شود.

وجه سوم، اینکه گفته‌اند که مانحن‌فیه از باب عدم تداخل است، یعنی دو وظیفه وجود دارد؛ اول، اینکه باید نجاست برطرف شود و دوم، اینکه باید وضو گرفت. شستن موضع نجاست یک امر است و وضو گرفتن امر دیگر است. گفته‌اند که از باب اصل عدم تداخل به لزوم شستن موضع وضو [که نجس است] حکم می‌شود و گفته می‌شود که اصل این است که اسباب با هم تداخل نمی‌کنند و هر وظیفه‌ای در جای خودش باید انجام شود. در مانحن‌فیه نیز دو وظیفه متوجه مکلف شده است؛ اول، اینکه باید نجاست برطرف شود و رفع خبث انجام گردد و دوم، اینکه باید وضو گرفت و حدث رفع گردد و با توجه به اینکه اصل، عدم تداخل است، هر کدام از رفع خبث و رفع حدث باید در جای خودش انجام شود. بنابراین، موضع وضو اگر نجس باشد، باید تطهیر شود و سپس وضو گرفته شود چون هر سببی در ایجاب مسبب خودش مستقلاً اثر می‌کند. نجاست وظیفه را در رابطه با شستن درست می‌کند و حدثی که ایجاد شده است، وظیفه را در رابطه با وضو درست می‌کند لذا نخست باید موضع وضو تطهیر شود و سپس وضو گرفته شود و اکتفا کردن به غسل واحد، یعنی با یک‌بار شستن، هم ازاله نجاست قصد شود و هم وضو قصد شود، بر خلاف اصل عدم تداخل است.

پاسخ از وجه سوم، این است که تمسک به اصالة عدم تداخل در مانحن‌فیه صحیح نیست زیرا بحث تداخل و عدم تداخل در جایی جاری می‌شود که هر دو امری که از مولی صادر شده است، تعبدی باشند لذا اگر هر دو امر، ارشادی یا یکی مولوی و دیگری ارشادی باشد، نمی‌توان اصل عدم تداخل را جاری کرد؛ مثل اینکه دو كفاره بر عهده مکلف ثابت شده باشد؛ اول، كفاره به خاطر افطار روزه ماه مبارک رمضان و دوم، كفاره به خاطر حنث نذری که صورت گرفته است که در این دو صورت، هر دو امر، از امور مولوی می‌باشند و هر کدام از این دو امر سبب مستقلاً برای وجوب كفاره‌اند که در این گونه موارد، می‌توان از تداخل و عدم تداخل بحث کرد، اما مانحن‌فیه از این قبیل نیست زیرا امر به وضو برای رفع حدث، امر مولوی است، لکن امر به ازاله نجاست، امر ارشادی است، یعنی وقتی شارع مقدس می‌گوید که لباس را بشوی، امر به غسل به وجود نجاست ارشاد دارد زیرا در شستن لباس، قصد لازم نیست و لذا اگر لباس، خود به خود در آب بیفتد و نجاست آن برطرف شود، کافی است و پاک می‌شود و تطهیر آن نیاز به قصد ندارد، پس طهارت متنجس به وسیله غسل بر قصد متوقف نیست. بنابراین، اگر شخص آب را روی عضو متنجس بریزد و قصد وضو کند، طهارت حاصل می‌شود و وضویی که می‌گیرد نیز صحیح است. بنابراین، در مانحن‌فیه که یکی از اوامر مولوی و دیگری، ارشادی است، اصل عدم تداخل جاری نمی‌شود و تداخل در مانحن‌فیه مشکلی ایجاد نمی‌کند چون یکی از اوامر [ازاله نجاست] قصد لازم ندارد و ارشادی است و امر دیگر [امر به وضو] قصد لازم دارد و مولوی است و تداخل این دو امر اشکالی ایجاد نمی‌کند.

«الحمد لله رب العالمین»